

درس هایی که باید از کووید ۱۹ گرفت

حسین طالب زاده

مقدمه

نظام تعلیم و تربیت، به عنوان نهاد متولی تربیت انسان موظف است نگاهی همه جانبه به مقوله تربیت داشته و افراد را برای ایفای نقش های اجتماعی و نحوه مواجهه با مسایل پیرامونی آماده سازد. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز بر همه جانبه نگری، یکپارچه نگری و تربیت منعطف تاکید نموده است.

یکی از انتظارات از متولیان رسمی آموزش و پرورش این است که دانش آموزانی تربیت نمایند که توانایی مدیریت خویش را داشته و بتوانند در برابر مسایل و بحران های محیطی واکنش مناسبی از خود بروز دهند.

بحث

پس از بروز و شیوع علایم کرونا در کشور ما، مطابق معمول یکی از نهادهایی که درباره نقش آن و همچنین چگونگی ادامه فعالیت رسمی آن مباحث جدی صورت گرفت و جامعه نیز از خود حساسیت های زیادی بروز داد، آموزش و پرورش و مدارس بود.

این حساسیت ها از چند جهت وجود داشت: یکی از بابت ترجیح سلامت دانش آموزان بر آموزش آنان بود و دیگر از بابت نقشی که مدارس می توانستند در این رابطه ایفا نمایند. حساسیت دیگر، مشخص نبودن دامنه شیوع این ویروس و مشخص نبودن تمام جوانب تاثیر آن بر فعالیت مدارس بود.

نگرانی ایجاد شده در بین دانش آموزان، خانواده ها و قشر فرهنگیان، در نهایت و اندک زمانی موجب شد تا وجه اول حساسیت ها یعنی ترجیح سلامت دانش آموزان بر آموزش آنان، غلبه یافته و منجر به تعطیلی فعالیت حضوری مدارس گردد و تاکنون نیز همین وجه غالب بوده است. این وجه به قدری پررنگ بود که وزیر محترم نیز بارها بر این مساله تاکید داشتند. وجهی که شاید در ابتدا عده ای، آن را قبول نداشتند و معتقد بودند چون کودکان و نوجوانان در معرض خطر بالایی قرار ندارند، نیاز فوری به تعطیلی مدارس نیست، اما سخنان اخیر وزیر محترم بهداشت مبنی بر قدرت بالای انتقال توسط کودکان و پیام رییس سازمان بهداشت جهانی به جوانان مبنی بر اینکه جوانان باید در خانه بمانند تا دیگران را در معرض خطر قرار ندهند، نشان داد، حساسیت والدین و دانش آموزان کاملاً پیشروانه و پیشگیرانه بوده و مشخص نبود اگر مدارس تعطیل نمی شد، همین دانش آموزان فاقد علامت به عنوان ناقلان این ویروس، منجر به ایجاد چه لطمات ناخواسته و جبران ناپذیری می شدند.

حساسیت وزارت آموزش و پرورش و وزیر این دستگاه را باید در مدیریت شکستن زنجیره انتقال از طریق دانش آموزان مورد تقدیر قرار داد اما درس هایی که از این بحران در این مدت کوتاه باید سیستم تعلیم و تربیت باید بیاموزد، کاملاً استراتژیک هستند.

هر چند آسیب شناسی این موضوع، نیاز به گذشت زمان دارد اما در این مدت کوتاه نیز موارد قابل تاملی، قابل مشاهده است که باید مورد توجه مسئولین این دستگاه قرار بگیرد.

مهم ترین آسیب های قابل شناسایی در این بحران که احتمالاً در سایر بحران ها با سطوح اندکی متفاوت نیز قابل شناسایی خواهد بود، عبارتند از:

الف- عدم تطابق سیستم با محیط پیرامونی

یکی از نکات بسیار مهم در پویایی هر سیستمی میزان و قابلیت تطابق محیطی سیستم با محیط پیرامون است. منظور از این نکته در این شرایط در چند زمینه قابل تامل است:

۱- یکی از مهم ترین زمینه ها، چگونگی تداوم فرآیند آموزش در زمان تعطیلی نامشخص مدارس می باشد.

درست است که آموزش و پرورش در زمینه تعطیلی مدارس، همراه با افکار عمومی تصمیم منطقی و پیشروانه ای اتخاذ نمودند اما مشخص نبود با این تصمیم، وضعیت آموزش چگونه خواهد بود. این دقیقاً مهم ترین آفت موجود در سیستم آموزش و پرورش بود. به این معنا که هیچ طرح و برنامه مشخصی برای تداوم آموزش در چنین مواقعی وجود ندارد. چون وضعیت سیستم به گونه ای است که یک سناریو برای آموزش دارد و آن هم حضور فیزیکی در مدارس و تدریس فیزیکی در کلاس درس توسط معلمان می باشد.

۲. قرار است مطابق سند تحول مدرسه، کانون تربیتی محله باشد. یعنی علاوه بر دانش آموزان، اهالی محله نیز از سیاست و اقدامات تربیتی مدرسه بهره مند شوند. آیا در این بحران، این اتفاق حاصل شد و مشخص است که جواب منفی است. در حالی که اگر سیستم، منعطف بود و با محیط پیرامونی تعامل موثری داشت، می توانست به عنوان کانون های مبارزه با شیوع کرونا ویروس همراه با مراکز وزارت بهداشت عمل نموده و با توجه به ذهنیت مثبت مردم به این نهاد، از دو جهت موثر باشد:

اول با قدرت اقناعی خود در دانش آموزان و والدین، تاثیر گذاشته و هر دانش آموز به عنوان عامل مبارزه با شیوع و انتقال این ویروس عمل نماید.

دوم، مدارس نقش موثری با همکاری وزارت بهداشت در بسیج نیروهای محلی ایفا نماید.

ب- ضعف در نگاه خلاقانه فناوانه

دستگاه تعلیم و تربیت باید متأثر از تحولات تکنولوژیک، برنامه کاملاً مدون در این رابطه داشته باشد. این بحران این نقص جدی را در وزارت آموزش و پرورش نمایان ساخت. هزینه های مختلفی که با نام طرح های متنوعی مانند هوشمند سازی و، تلویزیون تعاملی و... صورت گرفت، نشان داد این برنامه ها در چنین مواقعی کاملاً ناکارآمد بوده و نمی توانند نقش خاصی ایفا کنند. در این رابطه چند نکته باید مورد توجه قرار گیرد

۱- نقطه کانونی در این زمینه، فقدان نگاه خلاقانه و فناورانه در مدیران این دستگاه می باشد. یعنی علاوه بر محوریت خلاقیت، فناوری های نوین ارتباطی نیز باید مورد توجه جدی قرار گرفته و به عنوان نقطه کانونی عمل نمایند. البته نشانه های متعددی وجود دارد که سیستم آموزش و پرورش، نگاه مثبتی به فناوری ندارد و ترجیح می دهد با همان نگاه سنتی، به مقوله تعلیم و تربیت بنگرد. نتیجه این نگاه، اتفاقاً باعث توزیع بی عدالتی آموزشی می گردد.

۲- استقبال جامعه از روش های فناوری محور در امر آموزش، به سمت خوبی در حال حرکت است و بررسی دقیق وضعیت موجود، نشان می دهد، بخش عمده ای از جامعه از این امر، استقبال می کند و علیرغم وجود نقاط ضعف در بخش های مختلف جامعه، آمادگی همکاری با آموزش و پرورش وجود دارد. به عنوان نمونه، اقدام وزیر ICT در اختصاص اینترنت رایگان به معلمان، هر چند دیر هنگام، اما مثبت است. بنده معتقدم ظرفیت همراهی با آموزش و پرورش در صورت وجود نگاه تعاملی و خلاقانه در این دستگاه در سطوح مختلف اجتماعی بسیار بالا است.

۳- معلمان به عنوان موثرترین عنصر در تعلیم و تربیت، نشان دادند علاوه بر درک بالا از شرایط موجود، غلظت وظیفه شناسی بالایی داشته و نگاه مثبتی به مقوله فناوری دارند یا حداقل می توان گفت، روحیه حرکت به سمت استفاده از فناوری آن هم در سطح دولت موبایل در آنها از غلظت مناسبی برخوردار است و در صورت وجود برنامه منسجم و یا حتی عدم ایجاد مشکلات توسط سیستم های بالا دستی می توان امید به آینده ای بهتر را داشت. اقدامات موثر و مثبت معلمان، بار دیگر نشان داد چرا این قشر، به عنوان مرجع مورد اعتماد مردم هستند.

ج- ضعف در اطلاع رسانی و پاسخگویی مدرن

یکی از انتظارات درست جامعه از مدیران متولی در شرایط بحرانی، در دسترس بودن و سرعت در اطلاع رسانی و پاسخگویی است. فقدان این حضور، اطلاع رسانی و پاسخگویی در وزارت آموزش و پرورش کاملاً مشهود است. گویا هنوز هم باید خبرنگاران از دفاتر مدیران وقت بگیرند و با آنها مصاحبه کنند و نظرت ایشان یک طرفه منعکس شود. جالب اینجا است، در حالی که اکثر دستگاه های دولتی و مدیران آنها، سعی می کنند با استفاده از ظرفیت شبکه های اجتماعی، هم اطلاع رسانی نموده و هم جریان سازی، در عین حال از نظرات مخاطبین نیز آگاه شده و پاسخگو باشند، اما مدیران آموزش و پرورش به شدت و ناباورانه ای از این شبکه ها دوری می گزینند و تنها فرد مسئولی که حضور دارد، وزیر محترم آموزش و پرورش می باشد.

این ضعف در مواجهه و استفاده از ظرفیت شبکه های اجتماعی، باعث به حاشیه رانده شدن آموزش و پرورش می شود. نمی شود در اتاق های دربسته ماند و با افکار عمومی به صورت سریع، صریح و شفاف در ارتباط نبود و انتظار داشت، موضوع تعلیم و تربیت موضوع اول جامعه تلقی شود.

نتیجه

هر چند در ادامه و با فروکش کردن این بحران، می توان تحلیل کامل تری ارائه نمود، اما تا همین جا نیز اگر به درستی درس های ابتدایی آن را مدنظر قرار بدهیم، حداقل در گام های بعدی، تصمیمات بهتری می توان اتخاذ نمود. به نظر بنده باید در ادامه این وضعیت، به چند مقوله توجه جدی نمود:

۱- معلمان باید مورد توجه جدی همه مسئولین باشند و همه بدانند عنصر کلیدی آموزش و پرورش، معلمان هستند.

۲- ظرفیت های بزرگ اجتماعی و بین دستگاهی در جهت ارتقا تعلیم و تربیت وجود دارد که در صورت تقویت نگاه فناورانه و خلاقانه در مدیران کلان آموزش و پرورش قابل وصول است.

۳- وزارت آموزش و پرورش باید محیط پیرامونی را به رسمیت شناخته و مورد توجه جدی قرار دهد تا بتواند مدرسه را به کانون تربیتی محله تبدیل نماید. در این صورت است که دانش آموزان و معلمان نحوه برخورد و مدیریت در بحران ها را فرا می گیرند.

۴- حضور پررنگ مدیران آموزش و پرورش در عرصه های مختلف اطلاع رسانی و پاسخگویی، باعث رشد جایگاه این نهاد در جامعه می شود.